

در باره سخنان دستغیب در ۳۰ فروردین و در دیدار با طرفداران موسوی

آقای دستغیب که یکی از مرتجعین "با عقل و درایت" آخوندی هستند و رند تشریف دارند مثل کسانی دیگر مانند خاتمی و هاشمی رفسنجانی و کروبی ... که در زمان صدارتشان بردولت و دیگر قوا جمهوری اسلامی سرمایه هزاران اعمال جنایتکارانه را مرتکب شدند و بطور پایه شرایط کنونی ریخته شد که بحق پر مشقت ترین دوران زندگی و فعالیت در صد ساله اخیر از همه نظر و در تمام ابعادش برای طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان است. (بعنوان نمونه می توان از خاتمی نام برد که در زمان صدارتش یعنی حاکمیت جنبش اصلاحات سیاسی بر ارکان جامعه، به رهبری این سید خندان که با عبائی شکلاتی و خیلی تمیز و مرتب بر تن و خنده ای مودنیانه بر لب ارتجاعی ترین قوانین را بر علیه کارگران تصویب کردند، قتل های زنجیره ای سازمان داده شدند، به کوی دانشگاه تهران حمله کردند و دانشجویان را زهرا گویان از پنجره ها پرتاب و به قتل رساندند، کارگران خاتون آباد از زمین و آسمان به رگبار بسته شدند، خیابانهای شهر بایک را با خون کارگران گلگون نمودند، میلیونها کارگر ایرانی افغانی تبار را در بدترین حالت و با توهین و تحقیر و ضرب و شتم اخراج کردند \$1 و...) حالا که دار و دسته شان یعنی اصلاح طلبان اصولگرا (موسوی چی ها) در جنگ قدرت با دار و دسته ی دیگر یعنی دولت نظامیان سرمایه به سرمداری تیر خلاص زنی چون پاسدار احمدی نژاد از اریکه قدرت به زیر افتاده و در جبهه ضعف قرار گرفته اند، از یک طرف برای زنده ماندنشان و و امتیازی گرفتن برای سرمایه داران جبهه خویش، خود را به جنبش توده زحمتکش می چسبانند، ولی برای اینکه از رادیکال شدنش جلوگیری نمایند و از طرف دیگر مانند گذشته نه چندان دور به یادشان افتاده است که باید تبلیغ برادری بین این دو دار و دسته نمایند. البته دشمن اصلی یعنی کارگران و توده های رنج و زحمت به پا خاسته را نیز فراموش نمی کنند و یادشان نمی رود. این است که دستغیب در این سخنرانی برای مخالفان جمهوری اسلامی سرمایه که سی سال است جز کشتار و فقر و ناداری و شکنجه و تجاوز از وجود جمهوری اسلامی شان بهره ای نبرده اند و هرگز نخواهند برد، به نام محارب با خدا و پیغمبر دستور قتل و حتا سه روز آویزان ماندن جسد ها بردار صادر می کند.

بر کسی پوشیده نیست که قتل عام های دهه ۱۳۶۰ در ایام نخست وزیری موسوی اتفاق افتاده اند؛ و همه سرمداران قبلی و کنونی جمهوری، همه این دو دار و دسته رقیب، و خود او باید برای این کشتار عمومی زندانیان سیاسی بی گناه محاکمه گردند. حالا آخوند دستغیب به پند و اندرز این دو دار و دسته دزد و آدمکش می پردازد.

البته که اعمال ضد انسانی حاکمان دیروز و امروز آن جامعه یکی و دو تا که نیست. اعمالی مثل سنگسار زنان و تحمیل فقر و ناداری به مردم، به اعتیاد و فحشا کشاندن میلیونها جوان، کشتار مردم کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان و به کشت دادن بیش از یک میلیون انسان در جنگی ارتجاعی و هزاران اعمال ضد انسانی دیگر را مثل زندان کهریزک (که بحق آشویتس نازیان آلمانی- اردوگاه مرگ لقب گرفته است) و .. از آنان سر زده است.

این سید مرتجع با رجوع دادن شنوندگان خویش به ایام قبل و بعد از انتخابات چنین می گوید: "پیش از انتخابات هر دو گروه با هم تبلیغ می کردند و چقدر با یکدیگر دوست بودند تا اینکه وضع به این صورت شد که به یکدیگر نسبت تکفیر دادند؛ شیعه اتنی عسری را گفتند که تو کافر هستی! به یک عده ای گفتند شما محارب هستید!" سایت جرس ۳۰ فروردین ۱۳۸۹ و بعد شروع می کند به تعریف از محارب و در باره شان با رجوع به آیه ای ارتجاعی و سرنوشت چند نفر قربانی اجتماع زمان محمد که فرار می کنند و در یمن دستگیر می شوند و به قتل شان می رسانند چنین می گوید :

"یعنی: قطعا جزای آنان که با خدا و رسولش می ستیزند و می کوشند در زمین در راه تبهکاری؛ آن است که به سختی کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا به سختی بریده شود دستها و پاهای ایشان از برابر یکدیگر یا رانده شوند از زمین؛ این است برای ایشان خواری در دنیا و برای آنهاست در آخرت عذابی سنگین. که حضرت دستور دادند که چون اینها آدم کشته اند باید کشته شوند بعد هم به

مدت سه روز به دار آویزان بمانند." سایت جرس ۳۰ فروردین ۱۳۸۹
مرتجعین مثل این آخوند هم می دانند که در هر فصلی باید چه کنند و چه چیزهایی را برای از میدان به در کردن توده های میلیونی و انحراف افکار عمومی و ایجاد رعب و وحشت تبلیغ و تودهها را تهدید به آن نمایند. این ها می دانند که این مردمی که در فقر و گرسنگی بسر برده و می برند و جمهوری اسلامی را بعنوان اولین مانعی می بینند که باید از سر راه بر دارند تا به حداقل آزادی و رفاه برسند، و ۱۱ ماه است که با تمام سرکوب و کشتار و تجاوزی که از جانب برادران پاسدار شان و دیگر نیروهای سرکوبگر مانند زندانبانان و قاضیان مرتجع و ضد انسان بیدادگا هها، در خیابان ها و زندانها انجام گرفته، هنوز در میدان هستند و شعار و خواست هایشان رادیکالتر هم شده است را، نمی شود به آسانی عقب راند. پس از یک طرف برای مردم شاخ و شانه می کشد و به خیال خویش آنها را تهدید به مرگی فجیع تر از قبل مانند دست و پا بریدن و یا آویزان کردن شان بردار می نماید؛ از طرف دیگر به دار و دسته های در حکومت و از حکومت رانده شده ی حامی منافع سرمایه داران که وجود نحس و ننگ آور و نکبت بارشان از حرکت توده های رنج و زحمت به وحشت مرگ افتاده است، راه و چاره نشان می دهد و برای رسیدن بدین منظور است که /اندرز می دهد و این دو دار و دسته ی آدمکش را به صلح و صفا دعوت می کند. در حالی که برای این آخوند اصلاح طلب و لیبرال شده ی طرفدار مدنیته الله نبی جزای مخالفین به دار آویختن و دست و پا بریدن، به رسم عصر جاعلیت می باشد. این همه برای رعب و ترس ایجاد کردن برای کارگران و توده حق طلبی است که نزدیک به ۷۶ درصدش در زیر خط فقر زندگی می کند و ۴۰ درصدش حتا مجبور است که با روزی نزدیک به دو دلار آمریکائی یعنی در معرض تهدید مرگ زودرس زندگی را بگذارانند، است.

اما آقای دستغیب و دیگرانی مثل خودش باید بدانند، اگر توده های رنج کشیده شده را با اعمالی چون کشتار در خیابان و شکنجه و تجاوز در زندانها و توهین و تحقیر به خانوادههای داغ دیده در موقع تحویل جنازه عزیزانشان و ضرب و شتم خانوادههای زندانیان سیاسی در درب زندانها و بیدادگاههای شان (که حتی به مادر ۸۰ ساله نیز رحم نکردند و ریز ضربات باتوم گرفتند به نحوی که کارش به بیمارستان کشیده شد اما او به روی دیگران لبخند زد و "گفت ما پیروزم و آنها رفتی"، سوزاندن جنازه ها با اسید برای اینکه شکنجه شدن و مورد تجاوز قرار گرفتن شان افشا و اصلن شناخته نگردند، نتوانستید شکست شان دهید، به طریق اولی با این خط و نشان کشیدنها نمی شود میلیونها کارگر و توده زحمتکش از زن و مرد و پیر و جوان را که بر حقوق خویش آگاهی یافته اند ترساند. شما ای حاکمان دیروز و امروز، خوب گوش های ناشنوای تان را باز کنید، کارگران و زحمتکشان فریاد می کشند و می گویند: "سرمایه از روز ازل نبوده سرمایه دار حق ما را ربوده"، "زندگی مرفه حق مسلم ماست"، "مرگ بر دزدان اموال عمومی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "دولت جلا دی می کند، رهبر حمایت می کند، پس مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "زنده باد اتحاد کارگر دانشجو معلم". بدانید و مطمئن باشید با درایتی که طبقه کارگر ایران کسب کرده است و با توجه به توازن طبقاتی موجود در اول ماه مه امسال درسی فراموش ناشدنی و مهم به همه شما خواهد داد.

آری کارگران و زحمتکشان و توده های مردم چنین خواست هائی را دارند. آنها را با هیچ تهدیدی دیگر نمی توان از حرکت باز داشت، چون آن مصائبی را که هر روزه در کارخانه و کارگاه و مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و خیابان تجربه می کنند، چرا باید از تهدید به آن بترسند. شما و همه ی سرمایه داران بدانید که کارگران یعنی همان یقه آبی ها، همان کفش ملی پوش ها، همان هائی از میدان شوش به پائین در مخروبه هائی به نام خانه زندگی که چه عرض کنم با بخور و نمیر و یک شکم گرسنه و یک شکم سیرروزگار تلخی می گذرانند و هر روز میلیاردها تومان بر سرمایه شمایان می افزایند، دارند

می آیند، آری دیر نیست که آنها مانند سیل بنیان کن برای شماییان برسند. آنها با ورودشان به جنبش برای آزادی و دموکراسی، برای نان، مسکن و آزادی، برای همه، و با استفاده از همین شرایط موجود که دار و دسته های شما را شقه کرده است، خویش را سازمان داده و با متشکل شدن در تشکل هایشان، به عنوان یک طبقه و در نقش رهبری کننده جنبش حی و حاضر که با شرکت میلیونها کارگر و زحمتکش زن و مرد، معلم و پرستار و دانشجو و دانش آموز دختر و پسر جاری است به میدان می آیند. می آیند تا خواب را از چشمان از حدقه در آمده سرمایه دارانی مثل شما آقایان و خانم های اصولگرا و اصلاح طلب و لیبرال و ملی مذهبی و هر سرمایه دار دیگری که میلیاردها تومان از دسترنجشان را دزدیده اید بر بایند و این شکاف بین دار و دسته هائی که شما پند و اندرز شان می دهید تا یکدیگر را کافر و مرتد بنامند عمیق تر کنند. اموال غارت و غصب شده را از طبقه شما غاصبان گرفته و به صاحبان اصلی که جز خود و دیگر رنج دیدگان آن جامعه از کارگر بیکار شده گرفته تا کارگر ایرانی افغانی تبار نیستند، برگردانند. آری همان هائی را می گویم که امامتان در روز اول ماه مه ۱۳۵۸ به سرمایه داران درباره شان این اندرز را داد "کارگران خود را در یابید که اگر آنها بلند شوند نه ما می مانیم و نه شما". بدانید! این بار، کارگران می آیند، با تشکل های توده ای طبقاتی شان (ستیز طبقاتی) می آیند، با استراتژی و سیاست ضد سرمایه و سوسیالیستی شان می آیند، آنها برای اینکه یک نسل شان و شاید چندین نسل به فساد کشیده نشده و تباہ نگردند و خود و فرزندانشان در نداری و فقر و زندگی تیر و تار نپوسند، چاره ای جز آمدن هم ندارند. آنها خواهند آمد که همه ثروت و اموال ربوده شده را مصادره و در اختیار خود بگیرند، آنها می آیند تا با لغو قوانین تبعیض آمیز اسلامی تان و واژگونی نظم سرمایه سالارتان و انحلال تمام نیروهای سرکوبگر تان، مانند سپاه و بسیج و ارتش و غیره، خود و جامعه را از قید و بند سیستم سرمایه دارانه و اسلامی تان رها کنند و نهال آزادی و رفاه را بر خرابه های آن بکارند. آنها می آیند تا بر جای جامعه نکبت بار کنونی تان، جامعه ای بسازند که به جای ایجاد فقر و نداری، تولیدات خود را در اختیار آحاد مردم جامعه برای رشد و نمو دادن به استعدادهای نهفته شان قرار دهد. و به شما ها نیز خواهند فهماند که دستورات عصر جاعلیت تان فقط به درد انداخته شدن به زباله دانی تاریخ می خوردند و بس. شما و رهبر و دیگر همپالکی هایتان نیز هر چقدر دلتان می خواهد، فعلاً جفنگ بهم ببافید و بسان خرائی که تا چندی قبل، (البته اکنون از چپاول و غارت دسترنج کارگران به ماشین های آخرین سیستم و ضد گلوله سوارید.) که شما را از این منزل به آن منزل برای پخش خرافات می بردند، شلنگ تخته انداخته و عرعر بکنید، سر جایتان خواهند نشاند. زیرا که کارگران و زحمتکشان به این نتیجه در زندگی و فعالیت روزانه شان رسیده اند که چاره شان فقط تشکل و مبارزه متحدانه بر علیه همه ی سرمایه داران چه دار و دسته ی حاکم یعنی دولتیان نظامی و اقرار شان و چه اصلاح طلبان فعلن رانده شده از قدرت و فریبکار است. چاره شما نیز یا مرگ در میدان مبارزه طبقاتی حال و آینده و یا قبول یک زندگی شرافتمندانه با دست رنج خویش است. البته اگر زنده ماندید!! این را کارگران و توده های رنج دیده و شکنجه شده، برای شما و دیگر سردمداران نظام انسان کش تان مانند رئیس جمهور دورغگو... تضمین خواهند کرد، زیرا که از یک طرف مبارزه سخت و قهرآمیز در پیش است و از طرف برای کارگران نگه داشتن حرمت و کرامت انسانی حتا فتوا جلائی دادن هائی مانند شماییان هم، مهم است.

ما کارگران و زحمتکشان نمی توانیم نه چیزی را فرموش کنیم و نه بیخشیم.

حمید قربانی

۶ اردی بهشت ۱۳۸۹

۱\$ در جریان یورش نیروهای سکوبگر به کارگران و فعالین کارگری و دیگر دوستداران کارگران در پارک لاله، روز اول ماه مه سال قبل و برگزاری مراسم بهمین مناسبت که حداقل ۱۳۰ نفر دستگیر و تعداد زیادی حتا مردمی که به پارک آمده بودند تا نفسی بکشند، مورد شتم و ضرب قرار گرفته و توهین شنیدند و مصدوم شدند و هنوز هم پرونده برخی از دستگیر شدگان در جریان است، چند نفر از این همطبقه ایهایمان نیز دستگیر شدند. تا چندی قبل یکی شان در سلول های انفرادی زندان اوین و در

بدترین شرایط زندانی بود. من بعنوان کسی که در همان زمانی که اصلاح طلبان با شعار "ایران برای همه ایرانی ها" مشغول حمله های شبانه به محل و زیست محقرانه و کار این زحمتکش ترین و بی حقوق ترین قشر طبقه مان بودند، برای نوشتن مطلبی در این رابطه کمی بیشتر با زندگی این عزیزان آشنائی و نیز درد و رنج شان را بیشتر شناختم. شرکت این کارگران زحمت و سختکوش و کم بهره ترین بخش از طبقه کارگر ایران از تولیدات خود، در جشن اول ماه مه که می دانستند چقدر برایشان مخاطره آمیز است و آزادی شان را به خود و خانواده و کلیه کارگران در ایران تبریک می گویم. باشد که این همبستگی طبقاتی در تمام ابعاد بین طبقه مان گسترده و عمیق تر گردد که خاصه در شرایط کنونی و برای پیشبرد مبارزه مان حقیقتن مورد نیاز است.